

آیا رئیس جمهور

می تواند راحت بخوابد؟

محمد رضا هویدا

اعتراف به اینکه پانزده درصد جمعیت افغانستان شهبها گرسنه می خوابند، برای یک رئیس جمهور کار سختی است. هر چند شهامت ریاست جمهوری را باید تقدیر کرد که حد اقل به چنین آماره اعتراف کرده است. اما رئیس جمهوری که می داند صدها هزار شهروند گرسنه شهبها با شکم خالی می خوابند و روزها نیز نانی گیرشان می آید، وظیفه دشوار و سختی را دارد. اگر این چنین رئیس جمهوری بتواند شهبها بخوابد، وضعیت آن کشور واقعا نگران کننده خواهد بود. در کنسرسی که میلیونها انسان زیر خط فقر زندگی می کنند، میلیون ها انسان دیگر مصونیت غذایی ندارند. میلیون ها انسان دیگر مجروح، معلول، نابینا، فقیر و بیوه هستند، خوابیدن با خیال راحت و بر شمردن آمارها و ارقام، کار بیست سخت و تماشایی و حکایت از مسایل پنهان زیادی دارد. در مقابل این آمارها، ارقام دیگری نیز وجود دارد. عده ای با گرفتن معاش های گزاف دالرری تحت نام های مختلف، به زندگی تجملی در نقاط مختلف کشور رسیده اند. این عده غرق در عیش و نوش اند و زندگی شان هیچ سختی با زندگی اکثریت مردم افغانستان ندارد. اختلاف عمیقی میان این طبقه و اکثریت مردم افغانستان به خصوص در سالهای اخیر به وجود آمده است. این بخش از مردم به ناز و نعمت و رفاه و تجمل زندگی می کنند. اینها در بهترین نقاط شهر کابل و دیگر شهرهای کلان کشور سکونت دارند. خانه های چندصدهزار و یا چند میلیون دالرری در افغانستان و دیگر کشورهای دور و نزدیک خریده اند.

بخشی از جمعیت افغانستان نیز نه تنها شب گرسنه سر بر بالشت نمی گذارند، بلکه از شدت پر خوری به انواع امراض مبتلا هستند. رئیس جمهوری به خوبی می داند که حیف و میل ده ها میلیون دالر در کشور فقیری که اکثریت مردم آن زیر خط فقر زندگی می کنند، تبعات واضحی در پی دارد، که یکی از تبعات آن، همین گرسنه خوابیدن بیش از پانزده درصد جمعیت کشور است. اینکه رئیس جمهوری به گرسنه خوابیدن بیش از پانزده درصد مردم کشورش آگاهی دارد، مسئله قابل قدری است. اما رئیس جمهوری باید به آمار و ارقام دیگری نیز آگاه باشد. این که دقیقا به همین دلیل است که افغانستان در صدر کشورهای فاسد جهان قرار دارد. در این صورت وظیفه رئیس جمهوری چیست؟ اکنون که او می داند بیش از ۱۵ درصد مردم کشورش گرسنه می خوابند، چه وظیفه ای دارد؟ سخنرانی و شعار هیچ گرسنه ای را سیر نخواهد کرد. او که می داند، که این عده به خاطر کار به خارج از کشور مهاجر می شوند، به خاطر زنده ماندن به هر نوع کار سخت و شاقه ای تن می دهند، به خاطر زنده ماندن اعضای خانواده شان، تن به هر مشقته می دهند، چه کار عملی ای را روی دست گرفته است.

سر از بر شدن میلیاردها دالر به افغانستان، می توانست از این کشور، حد اقل یک کشور نسبتا رو به رشد بسازد، اما فساد اداری حاکم بر ادارات افغانستان، در نهایت بعد از بیش از سیزده سال، کشوری بر جای گذاشته است، که پانزده درصد مردم آن گرسنه می خوابند، سالانه ده ها هزار تن مهاجر می شوند، سالانه هزاران تن از فقر و بدبختی جان می دهند. این وضعیت باید برای رئیس جمهوری قابل تحمل نباشد، و اقدامات عاجل و فوری روی دست بگیرد. فساد حاکم بر ادارات افغانستان را از بین ببرد و راه های عملی مبارزه با فساد، تبعیض و بی عدالتی را بیابد.

گرسنه خوابیدن هزاران انسان فقیر و بیچاره باید خواب را بر رئیس جمهوری و دولتمردان و مسئولین دولتی حرام بسازد. باید نگذارد تا آنها راحت بخوابند. نباید بگذارد آنان غدهای رنگارنگ و خانه ها و موترهای مجلل استفاده کنند.

جنوب آسیا؛ منطقه گرایی، دولت ملی و مسئله امنیت

رجیم حمیدی



خارج شدن افغانستان و افتادن آن به دست هند به مثابه فروپاشی پاکستان است. زیرا، ملی گرایی پشتون‌ها ممکن است سبب مطرح شدن مسئله پشتونستان شود. در عین حال، بلوچ ها به عنوان یک گروه قومی برای سال‌های متمادی گرایش جدایی طلبی دارد. هند از خاک افغانستان می تواند جدایی طلبی را میان بلوچ ها تقویت نماید. بنابراین، پاکستان مشکلات منطقه را خطری برای موجودیت سیاسی خود درک می کند. به همین خاطر، این کشور از پروژه بنیادگرایی در افغانستان و کشمیر استفاده می کند.

کشورهای منطقه جنوب آسیا بنیادگرایی و تروریسم را عامل ناامنی و بی ثباتی در منطقه می دانند. تروریسم جهانی اگر چه در منطقه ریشه دوانده است اما، مسئله اصلی در منطقه آسیای جنوبی بنیادگرایی و تروریسم نیست. تروریسم و بنیادگرایی قابل کنترل است و کشورهای منطقه می توانند آن را کنترل نماید اما، مسئله اصلی اختلافات و مشکلات مرزی میان کشورها است. این مشکلات عامل اصلی رشد بنیادگرایی در منطقه است.

در صورت که اختلافات مرزی میان کشورها حل نگردد تنها راه حفظ ثبات و امنیت برای هر یک از کشورها تقویت دولت مرکزی و تمرکز بر نیروهای امنیتی کشور است. کنار آن گسترش سواد و حس ملی گرایی به کشورها کمک می کند تا بتوانند از امنیت به خصوص در کشورهای دفاع نماید. پاکستان تا این جای موفقی شده است بنیادگرایی را جایگزین ملی گرایی در افغانستان نماید. به همین میزان پاکستان از آن سود می برد و افغانستان در دام جنگ و ناامنی دست و پنجه نرم می کند.

بنابراین، منطقه گرایی به عنوان الگوی امنیتی در منطقه جنوب آسیا پاسخگو نیست. تا زمانی که مشکلات مرزی میان کشورها حل نگردد و منطقه گرایی جواب ندهد، در وضعیت کنونی تقویت بنیادهای دولت ملی، گسترش آگاهی جمعی و حس ملی گرایی در میان شهروندان تنها راه حفظ ثبات و امنیت است.

جنگ. این گروه‌ها فراتر از منطقه جامو و کشمیر حملات را در داخل خاک هند نیز سازماندهی و اجرا نموده است. حمله بر پارلمان هند یکی از آن موارد است. اختلاف هند و پاکستان بر سر مسئله کشمیر و تجربه سه جنگ و برتری نظامی هند باعث شده است که پاکستان سیاست خاص در قبال افغانستان روی دست گیرد. عوامل مذکور باعث شده است که پاکستان افغانستان را به عنوان منطقه عمیق استراتژیک و یا حیات خلوت خود فرض نماید. این کشور بعد از جدایی ننگلادش همواره در تلاش بوده است تا سیاست خود را در افغانستان عملی سازد. این سیاست به پاکستان این فرصت را می دهد تا از خاک افغانستان به عنوان عقبه استراتژیک در برابر هند استفاده نماید. این مهم را نباید نادیده گرفت که هند در برخی کشورهای آسیای مرکزی پایگاه نظامی دارد. خارج شدن افغانستان از دست پاکستان به مثابه محاصره این کشور توسط هند است. از این جهت، این کشور تلاش می کند تا افغانستان را از دست ندهد. درک سیاستمداران پاکستان این است که

ریشه در چند مسئله دارد. ریشه بسیاری از مشکلات به اختلافات مرزی میان کشورهای آسیای جنوبی بر می گردد. هند به عنوان ابرقدرت منطقه جنوب آسیا با پاکستان بر سر منطقه کشمیر و جامو اختلاف دارد. اختلاف این دو کشور باعث سه بار جنگ رو در رو و خشونت آمیز شده است. اختلاف مرزی تنها میان هند و پاکستان محدود نمی شود. افغانستان نیز با پاکستان مشکلات مرزی دارد. حکومت کابل از دوره حبیب‌الله خان تا کنون همواره خط دیورند را به عنوان خط مرزی نپذیرفته است. استدلال حکومت کابل این است که خط دیورند بر انشرا اجبار به حکومت کابل و مردم افغانستان قیولانده شده است. از این جهت، قراردادهای که در این زمینه امضا شده است پذیرفتنی نیست. با این حال، حکومت کابل برای سال‌های متمادی در مناطقی که ادعا می کند بخش از خاک افغانستان است قونسلگری داشته است. براساس حقوق بین الملل، این به نوعی پذیرش حاکمیت کشور دیگر بر آن منطقه است. بنابراین، مشکل بنیادی در منطقه جنوب آسیا مشکلات مرزی است.

درک این مشکلات میان کشورها متفاوت شکل گیری سازمان سارک به معنی منطقه گرایی در جنوب آسیا درک می شد. اکنون که نوزدهمین اجلاس این سازمان بنا است در اسلام آباد دایر گردد کشورهای هاندند، افغانستان، ننگلادش و بوتان آن را تحریم نموده است و این نشست به تعویق افتاده است. این آغاز شکست پروژه منطقه گرایی در جنوب آسیا است. عوامل شکست منطقه گرایی در جنوب آسیا چیست؟ شکست منطقه گرایی در جنوب آسیا

آیا قطر دهلیز صلح برای افغانستان خواهد بود؟

مهدی مدبر

شده هزاران شهروند دیگر بر اثر جنگ با گروه طالبان و تداوم نا امنی. دست آورد چندین سسال تلاش و هزینه های هنگفت مادی و انسانی، تا هنوز هیچ بود است، اما انتظار می رود حد اقل گفتگوهای قطر بتوانند بن بست ها را بشکنند و مسیر رسیدن به صلح و آرامش را برای دولت مردم افغانستان هموار سازد. آیا قطر دهلیز صلح برای افغانستان خواهد بود؟ می تواند امیدوار بود که گفتگوهای مستقیم با گروه طالبان به ختم جنگ منجر شود و امنیت و ثبات را به افغانستان به همراه داشته باشد؟ پاسخ این سئوالات و ده ها سوال دیگر از اینگونه، بستگی به توانمندی دستگاه دیپلماسی کشور و مذاکره کنندگان دارد، چیزی که تا هنوز حد اقل در گفتگو با طالبان، نتیجه ی مثبت در بر نداشته است. اما از سوی دیگر مردم صلح را به هر قیمتی نمی خواهند. آنها از حکومت افغانستان با جدیت تقاضا دارند که در گفتگوهای صلح و توافق نامه های صلح با مخالفین خود، عدالت را در نظر بگیرد و حق قربانیان سالها جنگ را زیر پا نگذارد. اگر صلح بر اساس عدالت نباشد، صلح بدست آمده نمی تواند پایدار باشد. بدون تردید گروه طالبان چه در دوران حاکمیت شان و چه بعد از آن، عملکردهای زیادی داشته اند که خلاف قوانین بیسن المللی و موازین حقوق بشری بوده است و بسیاری از شهروندان افغانستان از سوسی این گروه قربانی شده اند. حکومت افغانستان در گفتگوهای صلح باید عدالتی را در نظر بگیرد و حق قربانیان نامه مطرح کردن مسئله عدالت تاثیر زیادی بر روند مذاکرات خواهد گذاشت.



میز مذاکره و گفتگوی مستقیم با دولت افغانستان بود، اما طالبان در این گفتگوها حاضر نشد و گفتگوهای چهار جانبه ناکام ماند و رابطه ی حکومت افغانستان و پاکستان نیز به تیرگی گرایید. پس از ناکام شدن گفتگوهای چهار جانبه، حکومت افغانستان تلاش دارد تا بصورت مستقیم با مخالفین خود مذاکره و گفتگو کند. گفتگوی شورای عالی صلح در کابل با نماینده های حزب اسلامی و صلح با این گروه یکی از نتایج این تلاش ها بود. اکنون به نظر می رسد که حکومت تلاش دارد تا با گروه طالبان نیز به صورت مستقیم وارد گفتگو شود و دفتر قطر را به عنوان یک آدرس سیاسی برای طالبان به رسمیت بشناسد و گفتگوها در آنجا صورت گیرد و یا از آنجا رهبری شود. خبر از گفتگوهای پنهانی دولت افغانستان و گروه طالبان در حالی منتشر می شود که در این اواخر این گروه حملات نظامی شان را افزایش داده است و تهدیدهای جدی را علیه حکومت افغانستان و امنیت کشور ایجاد کرده اند. سقوط دادن کندوز و جنگ شدید در فاریاب، هلمند و فراه از جمله ی تازه ترین حملات طالبان علیه حکومت افغانستان است. آیا این حملات نوعی فشار بر حکومت افغانستان بخاطر پذیرفتن خواست های طالبان در گفتگوهای قطر است؟ هنوز روشن نیست که دولت افغانستان و بخاطر پذیرفتن خواست های طالبان در گفتگوهای قطر است؟

شان برای ارتباط با کشورهای جهان و پایان دادن به آنچه که آنها اشغال افغانستان می خواندند، یاد کردند. حکومت افغانستان این دفتر را به عنوان نمایندگی سیاسی طالبان نپذیرفت و از دولت قطر خواست که آن را مسدود نماید و دیگر گفتگویی در آنجا بین دو طرف صورت نگیرد. بعد از اینکه حکومت افغانستان دفتر قطر را به عنوان نمایندگی سیاسی طالبان را نپذیرفت، گفتگوهای صلح با طالبان با میانجیگری پاکستان و سایر کشورها، در پاکستان و جاهای دیگر انجام می شد. اما بعد از فاش شدن خبر مرگ ملا محمد عمر رهبر گروه طالبان، مذاکرات صلح به بن بست رسید و ادامه نیافت. با آغاز شدن دور جدید مذاکرات دولت افغانستان و گروه طالبان در قطر، این دفتر به عنوان یک آدرس مشخص برای گروه طالبان یکبار دیگر مطرح می گردد. حکومت افغانستان همواره گفته است که میخواهد با گروه طالبان و نمایندگان آنها بصورت مستقیم مذاکره و گفتگو کند. اما طالبان تا کنون این خواست مقامات افغانستان را نپذیرفته بود. طبق گزارش گاردین در این مذاکرات نماینده های دولت افغانستان و نماینده های طالبان بصورت مستقیم باهم گفتگو کرده اند و تنها یک نماینده از سوی آمریکا وجود داشته است که تا اکنون از سوی سفارت آمریکا تایید نشده است. پیش از این گفتگوهای چهار جانبه بین افغانستان، چین، آمریکا و پاکستان جریان داشت و هدف از این گفتگوها کشاندن نماینده طالبان به پشت

شده هزاران شهروند دیگر بر اثر جنگ با گروه طالبان و تداوم نا امنی. دست آورد چندین سسال تلاش و هزینه های هنگفت مادی و انسانی، تا هنوز هیچ بود است، اما انتظار می رود حد اقل گفتگوهای قطر بتوانند بن بست ها را بشکنند و مسیر رسیدن به صلح و آرامش را برای دولت مردم افغانستان هموار سازد. آیا قطر دهلیز صلح برای افغانستان خواهد بود؟ می تواند امیدوار بود که گفتگوهای مستقیم با گروه طالبان به ختم جنگ منجر شود و امنیت و ثبات را به افغانستان به همراه داشته باشد؟ پاسخ این سئوالات و ده ها سوال دیگر از اینگونه، بستگی به توانمندی دستگاه دیپلماسی کشور و مذاکره کنندگان دارد، چیزی که تا هنوز حد اقل در گفتگو با طالبان، نتیجه ی مثبت در بر نداشته است. اما از سوی دیگر مردم صلح را به هر قیمتی نمی خواهند. آنها از حکومت افغانستان با جدیت تقاضا دارند که در گفتگوهای صلح و توافق نامه های صلح با مخالفین خود، عدالت را در نظر بگیرد و حق قربانیان سالها جنگ را زیر پا نگذارد. اگر صلح بر اساس عدالت نباشد، صلح بدست آمده نمی تواند پایدار باشد. بدون تردید گروه طالبان چه در دوران حاکمیت شان و چه بعد از آن، عملکردهای زیادی داشته اند که خلاف قوانین بیسن المللی و موازین حقوق بشری بوده است و بسیاری از شهروندان افغانستان از سوسی این گروه قربانی شده اند. حکومت افغانستان در گفتگوهای صلح باید عدالتی را در نظر بگیرد و حق قربانیان نامه مطرح کردن مسئله عدالت تاثیر زیادی بر روند مذاکرات خواهد گذاشت.

روزنامه گاردین در گزارشی نوشته است که گفتگوهای پنهانی دولت افغانستان و گروه طالبان در قطر دوباره آغاز شده است. در این گزارش گفته شده است که اولین دیدار دو طرف در ماه سپتامبر سال جاری میلادی دومین دیدار در اوایل ماه اکتوبر در دوحه پایتخت قطر؛ جایی که دفتر سیاسی طالبان قرار دارد، انجام شده است. دفتر سیاسی طالبان در دوحه پایتخت قطر در سال ۲۰۱۳ باز شد. پیش از آن گروه طالبان از یک آدرس مشخص برای گفتگو و مذاکره با دولت افغانستان برخوردار نبود. قرار بود که این دفتر مکانی برای گفتگوی طالبان و دولت افغانستان باشد و به عنوان یک آدرس و محل گفتگوها باشد. اما گروه طالبان از آن به عنوان نمایندگی سیاسی

کارتون روز بدون شرح

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷

www.dailyaafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
The Leading Independent Magazine